

تاریخ: ۱۸/۰۴/۲۰۱۲

نویسنده: داکتور صلاح الدین سعیدی

## آی اس آی در عقب حملات تازه در افغانستان!

نوشتۀ جناب ع. منصوري تحت عنوان آی اس آی در عقب حملات تازه در افغانستان !! آنقدر توجه من را جلب کرد که به سرعت آنرا از بالا تا پایین به دقت مطالعه کرده و توقع تحلیل و معلومات قوی را داشتم. اما به زودی دریافتم که توقع عم برآورده نه گردید.

از لحاظ تحقیق و جنایی زمانیکه عمل جرمی واقع میشود در مورد علت انگیزه و اجرا کننده آن فرضیه های مختلف مطرح میگردد و با افواهات معین همراه میباشد. در صورت اقرار هم مستنطق مکلف است تا علت اقرار و انگیزه عمل جرمی را پیگیری کند که مقرر واقعا در اقرار خود صادق است و یا عوامل دیگری وی را به این اقرار مجبور ساخته و یا انگیزه عمل جرمی با عمل جرمی مطابقت میکند و یا خیر؟

این ودهها سوال و فرضیه که مستنطق با تمرکز به قضیه فرضیه های مختلف را با تحقیق موضوع به تدریج و به دست آوردن معلومات مستند نفیه کرده و به اصل فاعل قضیه، علت انگیزه اصلی جرم و نوع آن رسیدگی نموده و نظر نهایی را قایم کرده که جهت نهایی سازی نظر مستنطق مانند یک جانب قضیه موضوع به محکمه ارایه میشود و محکمه حکم نهایی صادر میکند. (این پروسیجر و پروسه جزئیات معین دیگر هم دارد. اما به همین اکتفا میکنیم).

قضاوت در مطبوعات با تحلیل سیاسی و گذاشتن معلومات معین در جای های معین و دادن تصویر درست زمانی صورت گرفته میتواند که فاکت و ارقام دقیق از داخل قضیه داشته باشیم. لذا این گونه قضاوت ها میتواند به اصل انگیزه و واقعیت برابر باشد و یا هم نه.

من در قضاوت جناب عبدالباصر منصورى که در نوشته خویش قضیه را به استخدام کار گران خارجی ارتباط داده اند ارتباط به جا نه دانسته و آنرا در قرن بیست و یک اقتصاد بازار آزاد تحت نظر قانون غیر موجه میدانم. ملی گرایى به این نحوه را ملی گرایى تقلبى دانسته و در قوانین اقتصاد امروزی این نوع استدلال استاده گی کرده نمی تواند. این بدان معنایست که کمپنی های خارجی مصرف در افغانستان و مسأله تکس و مالییه از جانب اداره بی کفایت امروزی افغانستان بهتر تنظیم شده. به کلی درین راستا نواقص غیر قابل قبول وجود دارد. ماحق نداریم با کارگر پاکستانی و ایرانی و این و آن با تعصب برخورد کرده و موضع انسانی خویش را فراموش کنیم. همین افغانها همین حالا و در سه دهه اخیر در نتیجه سیاست های ظالمانه و ناروای حاکمیت های افغانی به عین حالت مواجه بودند. کارگر پاکستانی و تبعه پاکستان نیز قربانی سیاست های دورویه و غیر انسانی جنرالان پاکستانی شده است و قربانی آن میباشد. اینکه کی فرزند ناخلف و کی خدمت گار است و کی عده زیادی افغانها را به مهاجرت و قرار گرفتن در مواضع نادرست مجبور ساخت و کی با تصفیه های قومی و تعدی افغانها را به گرفتن سلاح مجبور کرد و کی قربانی این وضع است و عوامل آن کجا است و کی نمی گذارد افغانها در بین خویش همین حالا تفاهم خیر نمایند تا از خرابکاری و برادرکشی را پایان دهند، مسایل اند که کتابها در موردش نوشته خواهد شد و به این ساده گی که جناب منصورى ارایه میکنند نیست. بلی پالیسی سازان اصلی پاکستان نه خواهند گذاشت در افغانستان نظم و استقرار برقرار شود و از هر وسیله استفاده کرده اند و خواهند کرد شک و تردیدی نداریم. اما آنچه به ما ارتباط دارد حاکمیت های بی کفایت و خدمتگاران اجنبی و حافظ منافع اجنبی و اندیشه های منحط قومی و تصفیه های قومی، مخالفین تفاهم سیاسی مسلط در تمام عرصه های اصلی حاکمیت موجود آقای حامد کرزی، سیاست کدری نادرست و بی عدالتی های درین راستا از عوامل عمده این وضع و حالت رقتبار اند که به برادرکشی و حالت غیر انسانی ادامه داده میشود. لذا تنها پاکستان را ملامت کردن خود را از مسؤولیت کشیدن است.

بلی به افشای سیاست اصلی دوجانبه و مزورانه پاکستان و همکاری داخلی و افشای حاکمیت بی کفایت افغانی که در این بیشتر از ده سال وقت جامعه جهانی و مردم افغانستان را ضایع کرد و از فرصت های طلایی عصر و هدیه های عصر استفاده کرده نتوانست و مردم را به برادرکشی مجبور ساخت نیز باید توضیحات و مطالب ارایه شود و تنویر صورت گیرد.

آمدیم واپس به علت نا راضی بودن من از این نوشته:

فرضیه رسمی حوادث ۱۵/۰۴/۲۰۱۲ در افغانستان:

د افغانستان حاکمیت (دولت) به کمک خارجی های ایجاد شده، درین حاکمیت عده محدود در تمام عرصه ها مسلط اند و عده زیادی از مردم از حاکمیت محروم شده اند، خارجی های حضور نظامی دارند و این حاکمیت را مساعدت میکنند و حرکت به نام طالب به ضد آن میجنگد و گوینده آن (آقای مجاهد) اعلام کرد که عملیات مذکور را در افغانستان آنها سازمان دهی کرده اند. جانب افغانی از کشته شدن و دستگیر شدن در حدود پنجاه تن از اجرا کننده گان این عملیات خبر داد و این حرکات دهشت افگنی بعد از ۱۸ ساعت در حساس ترین نکات و پُر امن ترین؟! نقاط افغانستان به پایان رسید. پیام ها و نتیجه گیری ها :

توانایی های پاکستان در افغانستان و پیام شان برای امریکا و جامعه جهانی، توانایی های حرکت طالبان در افغانستان، موجودیت همکاران حرکت طالب در بین نیرو های امنیتی افغانی امروزی، توانایی های نیرو های امنیتی افغانی در اجرای عملیات بر ضد این مخالف بدون مساعدت نیرو های خارجی، برجسته بودن نیرو های ائتلاف شمال در نیرو های امنیتی افغانی و به این ترتیب مورد سوال قرار گرفتن ملی بودن آن، بی کفایتی نیرو های استخباراتی افغانی در عدم آگاهی از وقوع این گونه حوادث قبل از وقوع آن، اینکه این گونه حوادث را کسی مانع شده نمی تواند و در چند سال آینده ادامه خواهد و بخش از نتیجه گیری ها و سوالات را مطرح کرد که باید در وضع فعلی به آن جواب یافت. اما آنچه من ازین نوشته و تحلیل های مشابه توقع دارم ارتباط مستقیم رها شدن بیشتر از چهار صد زندانی از زندان پاکستانی نزدیک در سرحدات افغانستان و آن هم بدون حتی یک کشته در بین نیرو های امنیتی پاکستانی و حضور آنها درین عملیات در افغانستان به عین تاریخ.

سوالات مطرح که این زندانیان (رها شده از زندان های نزدیک سرحد افغانستان) به اثر کدام توافق قبلی آی اس آی با حرکات و سازمان های مخالف مسلح حکومت آقای حامد کرزی رها شده اند. این است یکی از اسناد مرتبط که باید با تحقیقات بعدی مراجع عدلی و قضایی افغانی مستند شوند تا بتوانیم ادعا کنیم که آی اس آی پاکستان در پی حملات اخیر در افغانستان است. این کفایت را باید مراجع امنیتی کشور نشان دهند تا درین راستا به جهان اسناد مشخص ارائه شوند. اما شواهد نشان میدهد که دوکاندار کوپته به حیث مقام ارشد حرکت طالب به رئیس جمهوری کشور ملاقات ها دارد، تروریست به نام صلح ترور میکنند و سناتور تقلبی به زندانی ها و مقامات افغانی دید و باز دید میکند و ..... همه نشان دهنده این است این اداره و این استخبارات افغانی در برابر دسایس پاکستان و آی اس آی مانند طفل است که دهها مرتبه وی را فریب داده و به روی آن میخندد و این پروسه ادامه خواهد داشت. پاکستان به سرزمین بیگانه ۶۴ سال قبل به صورت غیر مشروع ایجاد شده و تازمانیکه توان داشته باشد نخواهد گذاشت افغانستان په پای خویش استاده شود.

پاکستان از تمام وسایل به شمول استفاده از حالت ناگوار نیرو های افغانی برای خرابی کشور ما کار وسیع خواهد گرفت.

تازمانیکه مشکل ما با پاکستان یعنی خط دیورند با احیای افغانستان تاریخی حل نه شود پاکستان نه خواهد گذاشت مردم افغانستان روی صلح و آرامش را ببینند. مسلم است که قربانی این حالت مردم پاکستان، افغانستان و جامعه جهانی خواهد بود و است.

پایان